

نقش راهبردها و خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارها بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)

سیدعباس حسینی*

تورج مجیبی**

علی مهدی‌زاده اشرفی***

حسین وظیفه دوست****

چکیده

بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) به دلیل داشتن ظرفیت‌های بسیار ارزشمندی در زمینه ایجاد اشتغال با هزینه سرمایه‌گذاری کم و راندمان بالا، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کشورهای مختلف قرار داشته‌اند. با توجه به وجود بیکاری شدید و ضرورت اشتغال‌زایی به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سال‌های اخیر خط‌مشی‌گذاران در ایران، پژوهش حاضر به نقش مؤثر راهبردها و خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در تسهیل فرایند راه‌اندازی بنگاه‌ها و بهبود فضای کسب و کار کشورها می‌پردازد.

در این مقاله، تأثیر خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارها بر توسعه عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط از دو بُعد توسعه راهبردی و توسعه عملیاتی مورد بررسی قرار گرفتند که هر دو بُعد از ضرایب بسیار بالایی برخوردار بودند و اثرگذاری و ارتباط معنی دار آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. همچنین مشاهده شد در بُعد توسعه راهبردی، متغیر «ارتقای

* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران
hosseini.a.s.1373@gmail.com

** دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)
toragmogibi@yahoo.com

*** استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران
mehdizadeh297@yahoo.com

**** استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران
vazifehdust@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۴

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال هشتم، شماره بیست‌ونهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۰۳-۱۵۵

سطح رضایت‌مندی ذی‌نفعان» و متغیر «ارتقای بهره‌وری کار و سرمایه» به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین ضریب را کسب نمودند. در میان متغیرهای مربوط به توسعه عملیاتی هم متغیر «افزایش فروش محصولات و خدمات» بیشترین و متغیر «مدیریت ریسک و تقویت کنترل‌های داخلی» کمترین عدد را به خود اختصاص دادند که هر دو متغیر، بار عاملی مناسبی بر مکنون مربوط به خود را دارا هستند.

واژه‌های کلیدی: خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارها، بنگاه‌های کوچک و متوسط،

عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط، راهبرد

طبقه‌بندی JEL: Z18, H3, M0, M13



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه سرعت بسیار زیاد تحولات محیطی و بازارهای رقابتی، فشار مضاعفی را به شرکت‌ها برای سازگاری بسیار سریع و تغییرات در سطوح بالا تحمیل می‌کند. (Englehardt & Simmons, 2012) بنابراین پویایی و انعطاف‌پذیری برای سازگاری با محیط پرتلاطم کسب و کار در جهت حفظ مزیت رقابتی، یکی از چالش‌های اساسی فراروی مدیران امروز است (Hatun & Pettigrew, 2006) که این مهم به خوبی توسط SMEs قابل پیگیری و انجام است.

کسب و کارهای کوچک و متوسط به منزله یکی از نیروهای پیش‌برنده اقتصاد مدرن، نقش بسزایی در بهبود فرصت‌های اشتغال، تشویق افزایش صادرات و تقویت نوآوری‌های فناورانه دارند. در سال‌های اخیر، اهمیت این بنگاه‌ها به اندازه‌ای افزایش یافته است که از آن‌ها به عنوان ستون فقرات توسعه صنعتی در کشورهای مختلف نام برده می‌شود. (Zulkepli et al, 2015) این شرکت‌ها علی‌رغم آن که به سرمایه‌گذاری کمتر ریالی و ارزی نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته و راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب و سریع محیطی منطبق کرده و سریع‌تر واکنش نشان دهند. پویایی، شبکه‌ای بودن، انعطاف‌پذیری بالا، خلاق و نوآور و بهره‌مند از فناوری‌های نوین اطلاعاتی از مهم‌ترین ویژگی‌های شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. به عبارت دیگر اگر اندازه یک سازمان بزرگتر باشد، کارایی و اثربخشی آن هم بیشتر است، ولی با توجه به سن شرکت، شرکت‌های جوان‌تر، نوآورتر هستند. هم ویژگی‌های مبتنی بر راهبرد و هم عوامل مرتبط با رقابت، تأثیر مستقیم بر نوآوری سازمانی دارند. (Lin Carol & et al, 2007: 119-121)

کارآفرینی، فرایند شناسایی و خلق فرصت‌ها در بازارها و بهره‌برداری با استفاده از منابع مورد نیاز برای راه اندازی و اجرایی کردن آن فرصت‌ها (Gorgiveski & et al, 2007) برون سپاری فعالیت‌ها (Nayak & et al, 2007) و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کاهش هزینه‌های تبادل (Samii, 2004) از دیگر ویژگی‌های ارزشمند کسب و کارهای کوچک و متوسط است که در دنیای پیچیده، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی فضای اقتصادی امروزی جهان نقش اساسی در تداوم فعالیت‌ها و پایداری سود شرکت‌ها دارند.

در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD)، دولت‌ها با چالش‌هایی مانند نرخ پایین رشد اقتصادی، ضعف سرمایه‌گذاری و نابرابری پایدار رو به رو می‌باشند. (OECD, 2016) تحت این شرایط بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش حائز اهمیتی را در اقتصاد بازی می‌کنند. این بنگاه‌ها به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی تلقی شده و در میان کشورهای جهان با سطوح مختلف توسعه یافتگی، نقش مؤثری را در دستیابی به اهداف توسعه پایدار از طریق ایجاد رشد اقتصادی پایدار، اشتغال متناسب با شأن و کرامت انسانی، تشویق نوآوری و صنعتی شدن و کاهش نابرابری درآمدی ایفاء می‌نمایند. (OECD, 2017) در کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی، بنگاه‌های کوچک و متوسط شکل غالب بنگاه‌های اقتصادی بوده و ۹۹ درصد از کلیه بنگاه‌های اقتصادی را شامل می‌شود. این بنگاه‌ها، اصلی‌ترین منبع ایجاد اشتغال بوده و به صورت متوسط حدود ۷۰ درصد از مشاغل کشورها را ایجاد کرده‌اند و از طرف دیگر نیز اصلی‌ترین عامل ایجاد ارزش افزوده هستند به نحوی که به صورت متوسط ۵۰ الی ۶۰ درصد از ارزش افزوده کشور توسط این گروه از بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. (OECD, 2016) در اقتصادهای نوظهور، بنگاه‌های کوچک و متوسط، خالق ۴۵ درصد از اشتغال کشورها و ۳۳ درصد از تولید ناخالص داخلی می‌باشند. در صورتی که کسب و کارهای غیررسمی را هم مدنظر قرار دهیم، بنگاه‌های کوچک و متوسط خالق بیش از نیمی از اشتغال و تولید ناخالص داخلی در بیشتر کشورها بدون توجه به سطوح درآمدی آن‌ها می‌باشند.

(IFC, 2010) در اتحادیه اروپا، بنگاه‌های کوچک و متوسط ۹۳ میلیون نفر را استخدام کرده‌اند و متولی ۶۷ درصد از اشتغال بخش غیرمالی می‌باشد و ۵۷ درصد از ارزش افزوده بخش غیرمالی را ایجاد کرده‌اند. شایان ذکر است که حدود ۹۳ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط، نیروی انسانی کمتر از ۱۰ نفر را دارا می‌باشد. (European Commission, 2017)

در ایران نیز خیل عظیم متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که در چند سال اخیر به عنوان جویندگان شغل به بازار کار کشور وارد شده‌اند، افزایش نسبت زنان دانش‌آموخته با مدرک دانشگاهی که در گذشته و حتی تا دهه قبل هم سابقه نداشته است و قرار گرفتن آن‌ها در صف بیکاران در جستجوی کار که منتج به ایجاد تقاضای وسیع در بازار کار شده و نیز کمبود سرمایه‌گذاری‌ها، مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و جوانی جمعیت، کلیه امکانات و ظرفیت‌های ایجاد شغل در کشور را به چالشی جدی کشانده و در حال حاضر و چند سال آینده از معضلات اصلی کشور در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود. در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) نیز اشتغال به عنوان یکی از موضوعات خاص کلان‌فرابخشی مطرح و کاهش نرخ بیکاری از ۱۲/۶ درصد در سال پایه ۱۳۹۵ به ۸/۶ درصد در سال ۱۴۰۰ (سال پایان برنامه ششم توسعه یعنی به طور متوسط حداقل ۰/۸٪ کاهش در هر سال مبتنی بر سند ملی کار شایسته) و همچنین متوسط رشد سالانه اشتغال معادل ۳/۹ درصد در طول سال‌های اجرای برنامه فوق، هدف‌گذاری شده و در ماده ۲۴ آن نیز دولت مکلف به انجام تمهیدات قانونی لازم جهت دستیابی سهم تعاون در اقتصاد کشور به ۲۵٪ با رویکرد کارآفرینی، اشتغال‌زایی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و دانش‌بنیان گردیده است.

بدون شک یکی از مهم‌ترین راهبردها و اهداف کلان توسعه در کشور و دغدغه دولت‌ها در طی چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی موضوع اشتغال پایدار و کاهش بیکاری در جامعه می‌باشد و هر دولتی نیز تلاش نموده است با در نظر

گرفتن شعارهای انتخاباتی و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر گفتمان خویش، برنامه یا برنامه‌های متعددی را حتی با عناوین پر طمطراق «طرح‌های ضربتی اشتغال» طراحی و پیگیری نماید. به عنوان مثال طرح‌های خوداشتغالی با پرداخت وام‌های ۳ میلیون تومانی در دولت هفتم و هشتم، طرح بنگاه‌های زودبازده و مشاغل خانگی در دولت نهم و دهم و طرح تکاپو و برنامه اشتغال فراگیر در دولت یازدهم و دوازدهم از جمله مهم‌ترین طرح‌هایی هستند که در سه دولت اخیر با شش دوره حضور، هدف گذاری و مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند و مرکز ثقل تمامی آن‌ها نیز چگونگی تأمین و تسهیل دسترسی به منابع مالی مورد نیاز کسب و کارهای کوچک و متوسط (در حوزه راه‌اندازی، تداوم و یا توسعه فعالیت) به عنوان مهم‌ترین چالش این کسب و کارها بوده است.

به عبارت دیگر اصلی‌ترین راهبرد توسعه کسب و کارهای در دولت‌ها و از جمله دولت دوازدهم و در قلمرو زمانی تحقیق حاضر نیز بر تأمین و تخصیص منابع مالی متمرکز بوده و کمتر به سایر عوامل تأثیرگذار به ویژه در حوزه‌های بهبود فضای کسب و کار، فرهنگ‌سازی، ثبات متغیرهای کلان اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، اصلاح فرایند و ساختار تسهیل‌گری و انتقال و به کارگیری تکنولوژی‌های نوین توجه شده است و یا اینکه حداقل، استراتژی جامعی در سیاست‌گذاری برای توسعه کسب و کارهای کشور به ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط که نقش اساسی در رفع معضل بیکاری و حفظ و ایجاد و افزایش اشتغال پایدار دارند و پرهیز از تکرار تجربیات ناموفق گذشته (عدم تخصیص کامل و به موقع منابع پیش‌بینی شده برای اجرای طرح‌های مورد نظر، عدم نظارت بر محل هزینه کرد منابع تخصیص یافته در خارج از موضوع طرح‌های پیشنهادی و عدم توجه کافی به بازار و میزان نیازهای کشور) مشاهده نشده و این گونه به نظر می‌رسد علی‌رغم برخی اقدامات ارزشمند انجام شده در این دوران (توجه به مزیت‌های منطقه‌ای، شناسایی کسب و کارهای اشتغال‌زا و شناسایی مشاغل پیشران هر منطقه)، این دولت نیز در نظر دارد هم‌چون دولت‌های گذشته موضوع اشتغال را به جای طراحی نظام جامع و اصلاح فرایند

خط‌مشی‌گذاری در توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط و بهره‌گیری از تمامی تجربیات و ظرفیت‌های موجود کشور، از طریق توزیع پول بیشتر ارزان‌قیمت‌پیکری نماید که با تداوم راهبرد فوق، بیم آن می‌رود که با اتلاف و هدررفت منابع مالی محدود در اختیار ضمن عدم تحقق اهداف هر یک از طرح‌های اعلام شده، منجر به افزایش شدید نقدینگی و رشد سرسام‌آور تورم در کشور گردد که خود باعث تداوم و تشدید دور باطل تسلسل عدم استفاده از تجربیات گذشته، بهره‌وری پایین و تکرار دوران رکود تورمی در کشور شود.

بر این اساس و با توجه به مفاهیم مطرح‌شده و نقش ارزشمند و بی‌بدیل سیاست‌گذاری‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در حفظ و افزایش سطح اشتغال پایدار کشور، مقاله حاضر به بررسی نقش راهبردها و خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارها بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط از ابعاد راهبردی و عملیاتی و زیر مؤلفه‌های مربوط به هر یک از آن‌ها پرداخته است تا با فراهم نمودن امکان اتخاذ سیاست‌های منطقی توسط دولت و تمرکز بر حوزه‌های با تأثیرگذاری بالاتر به طور کارآمد از منابع محدود در اختیار استفاده شده و ضمن ارتقای بهره‌وری، عوامل تولید در جهت بهبود فضای کسب و کار کشور نیز جهت‌گیری گردند.

در این مقاله، ابتدا مبانی نظری و الگوهای مختلف خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط ارائه و سپس روش پژوهش و نتایج و یافته‌های توصیفی و استنباطی آن بیان می‌شود و در نهایت نیز نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی به تفکیک هر یک از خط‌مشی‌های چهارگانه توسعه کسب و کارها (خط‌مشی‌های عمومی انضباطی و بازدارنده، خط‌مشی‌های عمومی توزیعی، خط‌مشی‌های توزیع مجدد و خط‌مشی‌های قانونی و سیاسی) ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. خط‌مشی

خط‌مشی عبارت است از تصمیمات اتخاذ شده توسط دولت‌ها که هدفی را

تعریف و ابزاری را برای دستیابی به آن مشخص می‌کند. (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳)

خط مشی عمومی، مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً ثابت و پایدار و هدفمند دستگاه اجرایی و دولت، به منظور حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی جامعه می‌باشد. (Anderson, 2011)

«دای»^۱ (۱۹۷۶) خط‌مشی‌های عمومی را هر آنچه دولت تصمیم به انجام یا عدم انجام آن دارد، تعریف می‌کند. (Smith & Larimer, 2017) «چندلر و پلانو»^۲ (۱۹۸۸) خط‌مشی‌های عمومی را به عنوان استفاده استراتژیک از منابع برای کاهش مشکلات ملی و یا نگرانی‌های دولتی تعریف می‌کند. (Nduka Eneanya & et al, 2010)

۱-۲. کسب و کارهای کوچک و متوسط

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق جهان بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهایی که معمولاً در تعریف صنایع کوچک و متوسط به کار می‌روند عبارت هستند از: تعداد شاغلین / کارکنان، میزان سرمایه / سرمایه‌گذاری، حجم دارایی، کل میزان فروش و ظرفیت تولید. اما رایج‌ترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، معیار تعداد کارکنان است که البته بسته به کشورهای مختلف، سطوح اندازه‌گیری آن متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال در کانادا بنگاه‌هایی با کمتر از ۵۰۰ نفر کارکن، در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از اعضای اتحادیه اروپا نیز تعاریف خاص خود را برای SME دارند. برای نمونه در آلمان کسب و کارهای با کمتر از ۲۵۰ نفر پرسنل را SME می‌شناسند که این حد برای بلژیک ۱۰۰ نفر است. اما اکنون اتحادیه اروپا تعریف SME را استاندارد کرده است که بر اساس آن کسب و کارها با اشتغال کمتر از ۲۵۰ نفر «متوسط»، کمتر از ۵۰ نفر «کوچک» و کمتر از ۱۰ نفر «خرد» نامیده می‌شوند. اتحادیه اروپا از سه معیار برای تعریف و شناسایی

1. Dye

2. Chandler and Plano

SME ها استفاده می‌کند که عبارتند از تعداد کارکنان، حجم گردش مالی سالانه بنگاه و میزان دارایی و بدهی‌های آن (سایت اتحادیه اروپا) در حال حاضر قسمت بنگاه‌های کوچک و متوسط بانک جهانی بر اساس تعاریف ذیل کار می‌کند :

۱- بنگاه خرد کمتر از ده نفر کارکن با سقف دارایی تا ده هزار دلار آمریکا و فروش سالانه تا سقف صد هزار دلار،
۲- بنگاه کوچک تا ۵۰ نفر کارکن با سقف دارایی و فروش تا سه میلیون دلار،

۳- بنگاه متوسط با حداکثر ۳۰۰ نفر کارکن و با حداکثر دارایی و فروش کل معادل ۱۵ میلیون دلار (Gibson & Vaart, 2008)

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران از سازمانی به سازمان دیگر فرق می‌کند. آنچه که اداره آمار بانک مرکزی به عنوان طبقه‌بندی واحدهای صنعتی در نظر می‌گیرد به این صورت است که بنگاه‌های با کمتر از ۱۰ نفر کارکن «خرد»، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن «کوچک»، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن «متوسط» و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن «بزرگ» نامیده می‌شوند. (احمدپور داریانی و کریمی، ۱۳۹۸)

لازم به ذکر است که به موجب دستورالعمل تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط سال ۱۳۹۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بنگاه‌های اقتصادی که تعداد کارکنان آنها طی یک سال گذشته کمتر از ۵۰ و بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر تعریف شده‌اند به ترتیب در معانی بنگاه کوچک و بنگاه متوسط به کار برده شده‌اند که در مقاله حاضر نیز از همین تقسیم‌بندی شده است.

۱-۳. خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط

در این مقاله تعریف خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط بر اساس تقسیم‌بندی «لوی»^۱ که مبتنی بر کارکردها و ویژگی‌های خط‌مشی‌های عمومی (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴ و الوانی، ۱۳۹۶) و با تأکید بر مطالعات نظری و نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان ارائه شده است به

شرح ذیل می‌باشد:

۱- خط‌مشی‌های انضباطی و بازدارنده: این خط‌مشی‌ها، فعالیت‌های مرتبط با راه‌اندازی و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در کشور را تنظیم می‌کنند به گونه‌ای که اقدامات معینی را منع (استخدام افراد زیر ۱۸ سال سن، عدم پرداخت کمتر از حداقل حقوق مصوب به کارگران) و یا برخی فعالیت‌های لازم و ضروری را مقرر می‌سازند (حفظ و صیانت از محیط زیست، رعایت قوانین و مقررات، پرداخت مالیات و بیمه).

۲- خط‌مشی‌های توزیعی: خط‌مشی‌های فوق، نحوه استفاده از کالاها و خدمات را برای بخش‌های معینی از جامعه تعیین نموده و یا امکانات را در اختیار قشرهایی از مردم که دارای شرایط ویژه هستند قرار می‌دهد (اعمال بخشودگی مالیاتی برای مناطق مرزی و کمتر توسعه یافته، اعطای مجوز واردات بدون عوارض و حقوق گمرکی برای تعاونی‌های مرزی، اولویت پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت به زنان بی‌سرپرست کارآفرین و تعاونی‌های روستایی مناطق محروم).

۳- خط‌مشی‌های توزیعی مجدد: این خط‌مشی‌ها، توزیع مجدد مزیت و امکانات و یا منابعی از کشور به منظور تنظیم و اجرای برنامه‌های رفاه و تأمین اجتماعی در جامعه و تسهیل راه‌اندازی و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط برای گروه‌ها و طبقاتی از جامعه مورد هدف را امکان‌پذیر می‌سازند (تخصیص بخشی از منابع یارانه‌ها به منظور تأمین کاهش مجدد نرخ سود و کارمزد تسهیلات پرداختی ارزان‌قیمت به زنان بی‌سرپرست کارآفرین و تعاونی‌های روستایی مناطق محروم و یا افزایش طول دوران پرداخت اقساط).

۴- خط‌مشی‌های قانونی-سیاستی: خط‌مشی‌هایی هستند که به وضع و اصلاح قوانین و مقررات، اتخاذ رویکردهای سیاستی و راهبردی عمومی، تحقق اصول قانون اساسی و ارتقای کارایی و اثربخشی ارکان حاکمیت و پیگیری حکمرانی خوب برای تسهیل راه‌اندازی و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌پردازند.

۱-۴. الگوهای خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط

کارآفرینی یکی از اولویت‌های اصلی خط‌مشی‌گذاران دولتی است. ولی تدوین خط‌مشی‌های کارآفرینی در مراحل اولیه و ابتدایی تکامل خود است. به منظور آشنایی با خط‌مشی‌های کارآفرینی وضع شده در دولت‌ها، در بخش زیر تعدادی از الگوهای خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط معرفی می‌شوند.

الف) الگوی لوندستریم و استیونسن

«استیونسن و لوندستریم» (۲۰۰۱) خط‌مشی‌های دولتی مرتبط با کارآفرینی را به چهار دسته اصلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط، تمرکز بر گروه‌های خاص، تأسیس یک شرکت جدید و خط‌مشی کل‌گرا. هر یک از این خط‌مشی‌ها از لحاظ هدف، تأکید، رویکرد و ساختار با یکدیگر متفاوت هستند و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و یا چالش‌ها را به وجود می‌آورند.

(Lunderstom & Stevenson, 2002; Stevenson & Fellow, 2002)

✓ توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط

در این خط‌مشی، فعالیت‌ها در جهت حمایت از صاحبان کسب و کارهای جدید و کارآفرینان نوپا انجام می‌شود که مکمل خدمات و برنامه‌های «شرکت‌های کوچک و متوسط^۲» است. چنین خدماتی بیشتر در سطح محلی توسط «سازمان‌های حمایت کسب و کار» و «سازمان‌های توسعه اقتصادی مانند سازمان نوسازی و گسترش صنایع» انجام می‌شوند. این خط‌مشی‌ها شامل آموزش خوداشتغالی، مشاوره در زمینه برنامه‌های کسب و کار و شرکت‌های نوپا، جایزه‌های محلی و یا حمایت از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز نوپا می‌شود.

✓ تمرکز بر گروه‌های خاص

در این خط‌مشی، دولت تلاش‌های کارآفرینی هدفمندی را برای گروه‌های ویژه جامعه که دارای فرصت‌های بالقوه برای افزایش مالکیت کسب و کارند، اختصاص

1. Lundstrom, A., Stevenson

2. SME Policy Extension

می‌دهد. در این خط‌مشی «گروه‌های خاص»^۱ به دو گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- این دسته شامل گروه‌هایی مانند زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی، معلولان و غیره است. این افراد با موانع اجتماعی، اقتصادی یا ذهنی خاصی مواجه هستند که توانایی آن‌ها را در دسترسی به منابع محدود می‌کند و حمایت‌های لازم برای ادامه یک کسب و کار نوپای موفق را برای آن‌ها مشکل می‌سازد. دولت با مدنظر قرار دادن این موانع، چاره‌اندیشی‌هایی را برای فائق آمدن بر این مشکلات انجام می‌دهد. بدین ترتیب، اهداف جامع اجتماعی مانند ارائه خدمات پشتیبانی کسب و کار، ایجاد مراکز خدمات مشاوره‌ای که علاوه بر برنامه‌های اعطای وام به آموزش و ارزیابی نیز می‌پردازند، شکل می‌گیرد.

- افرادی که از ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به کارآفرینان نوآور یا کارآفرینان فن‌آور برخوردارند. این افراد دارای زمینه مساعدی برای تأسیس شرکت‌هایی با رشد سریع هستند مانند پژوهشگران و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. هدف این رویکرد تشویق تولیداتی با ارزش افزوده بالا است که رشد اقتصادی و تولید ثروت را تسریع می‌کنند، مانند پشتیبانی از فرآیند تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی، تأمین سرمایه برای فعالیت‌های مخاطره‌آمیز، ارائه مشوق‌های مالیاتی، تأمین سرمایه مراکز رشد و برنامه‌های مشاوره.

✓ تأسیس یک شرکت جدید^۲

این خط‌مشی بر ساده‌سازی و تسهیل فرآیند خلق یک کسب و کار و کاهش موانع ایجاد شرکت‌های نوپا تأکید دارد. این خط‌مشی می‌تواند شامل بررسی فرآیند تشکیل شرکت و رویه‌های خلق کسب و کار، کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به فرآیند ثبت شرکت، کوتاه‌سازی فرآیند تأسیس شرکت و مشاوره‌های مرتبط با آن باشد.

1. Niche Entrepreneurship Policy

2. New Firm Creation Policy

✓ خط‌مشی کل‌گرا^۱

در این رویکرد، خط‌مشی کارآفرینی از طریق وزارتخانه‌های دولتی اجرا می‌شود و در برگیرنده تلاش‌هایی است که منجر به بهبود دسترسی به منابع می‌شود. همچنین در برگیرنده حمایت‌هایی است که شامل کمک مالی، آموزش کارآفرینی به صورت یکپارچه و منسجم و ارتقا دادن فرهنگ و جو کارآفرینی می‌شود.

(ب) الگوی حمایت و تشویق کارآفرینی و شرکت‌های کوچک و متوسط پویا

این الگو براساس تجارب کشور ترکیه و برخی دیگر از کشورها معرفی شده است. خط‌مشی‌های موردنظر در این الگو به شرح زیر است.

✓ ایجاد بستر قانونی

به منظور ایجاد محیط مساعد جهت کارآفرینی شرکت‌های کوچک و متوسط، ایجاد «بستر قانونی^۲» حمایتی لازم است. همچنین دولت بایستی با شرکت‌های کوچک و متوسط ارتباط قانونی برقرار کند، زیرا شرکت‌های کوچک و متوسط همانند شرکت‌های بزرگ به راحتی نمی‌توانند با دولت ارتباط برقرار کرده و نیاز خود را برطرف کنند.

✓ خط‌مشی‌های ویژه شرکت‌ها^۳

در جهت کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط بایستی خط‌مشی‌های ویژه‌ای به کار گرفته شوند. برخی از مهم‌ترین خط‌مشی‌ها به شرح زیر است:

- تشویق ثبت شرکت‌ها و ایجاد بخش‌های رسمی^۴

قوانین و مقررات، مسئولیت‌های قانونی و مدیریتی، مالیات و تأمین اجتماعی، شرکت‌های کوچک کارآفرین را به سوی غیررسمی ماندن و پرهیز از پذیرش مسئولیت‌های مدیریتی و قانونی وا می‌دارد. بنابراین دولت‌ها بایستی با تسهیل

-
1. Holistic Entrepreneurship Policy
 2. Regulation and Law
 3. Company Specific
 4. Encouraging Registration and the Formal Sector

شرایط به رسمی‌سازی و ثبت شرکت‌ها کمک کنند.

- حکمرانی^۱

محیط رقابتی جهان امروز به مدیریت شفاف، صادق و نگرشی باز نیاز دارد و دولت‌ها بایستی از بدبینی به بخش خصوصی و نهادهای مدنی بپرهیزند. بنابراین بایستی بین دولت و بخش خصوصی و نهادهای مدنی ارتباطی منصفانه و مبتنی بر روابط شبکه‌ای و نه سلسله‌مراتبی برقرار شود.

- کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط ورشکسته

در یک اقتصاد پویا و دارای رشد برخی از شرکت‌ها ورشکست می‌شوند که مانعی برای کارآفرینی محسوب می‌شود. لذا تسهیل شرایط انحلال، در صورت ورشکستگی به رشد کارآفرینی کمک می‌کند.

- تعریف و حفظ مالکیت معنوی^۲

حفظ حقوق اختراع‌ها، طرح‌ها، کپی‌رایت و علائم تجاری به رشد کارآفرینی شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کند.

✓ توسعه زیرساخت‌ها^۳

توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل، مخابرات، فناوری اطلاعات و سایر زیرساخت‌های صنعتی بر رشد کارآفرینی تأثیر مثبت دارد.

✓ فرهنگ‌سازی

فرهنگ یک کشور تعیین‌کننده استعداد نهفته مردم جامعه است. رشد کارآفرینی در شرکت‌های کوچک و متوسط، تحت تأثیر میزان عجزین شدن فرهنگ یک کشور با کارآفرینی و نوآوری است. بنابراین ایجاد نگرش مثبت به کارآفرینی در سطوح مختلف جامعه، تشویق دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌های آموزش عمومی کارآفرینی، ایجاد دوره‌های کارورزی دانشگاهی در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند به رشد کارآفرینی کمک کند.

1. Governance

2. Intellectual Property Clearly Defined

3. Infrastructure Policy

✓ ارائه خدمات به شرکت‌های کوچک و متوسط و کارآفرینان

به منظور حمایت از کارآفرینان و شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توان به انجام فعالیت‌های زیر پرداخت:

- ساده سازی قوانین و رویه‌های اداری: برای دستیابی به این هدف دولت‌ها با ساده‌سازی رویه‌های شروع یک کسب و کار جدید، ایجاد نظام بانکداری و سیستم حسابداری سالم می‌توانند به کارآفرینان کمک کنند.

- دسترسی به اطلاعات: دولت به منظور تسهیل دسترسی به اطلاعات می‌تواند با بهبود دسترسی کارآفرینان و شرکت‌های کوچک و متوسط به اطلاعات مورد نیاز از طریق ایجاد سیستم‌های خاص و جریان‌های اطلاعات بین آژانس‌های حمایتی، کارآفرینان و شرکت‌های کوچک و متوسط را در توسعه کارآفرینی یاری دهد.

✓ آموزش و ارتباط با صنعت^۱

- انتقال تکنولوژی^۲: انتقال تکنولوژی از روش‌هایی است که دولت‌ها از طریق آن به رشد شرکت‌های کوچک و متوسط و کارآفرینان کمک می‌کنند. مانند در اختیار گذاشتن تکنولوژی‌های جدید و گران قیمت.

- مشاوره، رایزنی و خدمات تخصصی^۳: مشاوران و رایزنان افرادی هستند که تجربه‌های علمی و استراتژیک دارند و به شرکت‌های کوچک و متوسط این تجربه‌ها را انتقال می‌دهند. این مشاوران شامل مدیران، حقوق‌دانان، کارکنان مراکز نوآوری، حسابداران خبره و غیره می‌باشند.

- شبکه سازی و خوشه سازی^۴: کمک به رشد شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی می‌تواند عدم اطمینان‌های مراحل اولیه رشد را کاهش دهد.

✓ کمک‌های مالی

دولت‌ها با تأمین سرمایه برای فعالیت‌های مخاطره آمیز و تشویق مردم به پس انداز

-
1. Education and Industry Interface Policy
 2. Technology Transfer
 3. Consultants, Mentors & Professional Services
 4. Networks and Clusters

و همچنین اعطای وام، رعایت عدالت در پرداخت وام (جلوگیری از رانت خواری) و غیره به رشد کارآفرینی در شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کنند.

ج) الگوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۱

در این الگو، سه حوزه خط‌مشی که برای فعالیت‌های کارآفرینی اهمیت دارند مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه بین اصول اقتصادی مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی (مانند ثبات اقتصاد کلان، بازارهای کار، زیرساخت محلی و سطح مالیات و غیره) و خط‌مشی‌های مؤثر بر کارآفرینی تمایز قائل می‌شود. این حوزه‌ها عبارتند از: دسترسی به منابع مالی، تسهیل ورود و خروج شرکت‌ها (تأسیس و انحلال) و برنامه‌های حمایتی دولت. (UNCTAD, 2004)

✓ دسترسی به منابع مالی

- دسترسی به وام‌ها: زمانی که شرکت‌های کوچک دسترسی محدودی به وام‌های بانکی و دیگر ابزارهای سنتی تأمین مالی دارند دولت‌ها می‌توانند اعطای وام را برای شرکت‌های نوپا افزایش دهند مانند برنامه‌های ضمانت وام بانکی.

- بازارهای سهام و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز: این روش سازوکاری موفق برای کاهش خطر سرمایه‌گذاری در بخش‌های در حال ظهور است. این حوزه به ویژه برای شرکت‌های کوچک نوآور که معمولاً با اتکا به دارایی‌های نامحسوس خود یا محیط‌های نامطمئن و کمبود نقدینگی مواجه هستند، کاربرد دارد. به دلیل وجود ریسک بالا در فعالیت‌های چنین شرکت‌هایی، بانک‌ها به ندرت از آنها حمایت می‌کنند، لذا دولت بایستی چنین خلأیی را پر کند.

✓ تسهیل در ورود و خروج (تشکیل و انحلال شرکت)

- شرایط کارآفرینی بیش از آنکه تحت تأثیر بازارها باشد تحت تأثیر محیط قانونی و اداری است. رویه‌ها و قوانین و مقررات اداری، نحوه شکل‌گیری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از آنجایی که وجود ریسک بالا منجر به کاهش

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

فعالیت‌های کارآفرینی می‌شود، دولت‌ها بایستی الزامات اداری خاصی را ایجاد و هماهنگی بهتر را بین سازمان‌های دولتی برقرار کنند. دولت‌ها در جهت کاهش موانع موجود بر سر راه کسب و کارها بایستی، بین تسهیل فعالیت‌های کارآفرینی و مدنظر قرار دادن مصلحت عامه توازن ایجاد کنند.

- اعمال «رفتار ورشکستگی»^۱ که تضمین‌کننده تعطیل شدن کارآمد شرکت‌های ناموفق و تسهیل ورود و خروج شرکت‌ها است. خط‌مشی‌هایی که فرصت را برای سازمان‌دهی مجدد یا تعطیلی شرکت‌ها نادیده می‌گیرند، مانع تخصیص مجدد منابع به کسب و کارهای مولد شده و توانایی کارآفرینان در تغییر سریع را کاهش می‌دهند.

- «برنامه‌های پاداش»^۲: این خط‌مشی می‌تواند در مراحل اولیه فعالیت شرکت که نقدینگی^۳ با محدودیت روبروست، جذابیت یک شرکت را برای کارکنان افزایش داده و به انگیزش، حفظ و نگهداری کارکنان کمک کند.

✓ برنامه‌های حمایتی دولت^۴

برنامه‌های حمایتی دولت، پشتیبان سایر خط‌مشی‌ها در ایجاد محیطی مشوق برای فعالیت‌های کارآفرینانه است. با توجه به وجود مشکلات ویژه بر سر راه رفتارهای کارآفرینانه باید اذعان داشت، برنامه‌های حمایتی ابزار مهمی برای شکل‌گیری مهارت‌های لازم کسب و کار هستند. برای مثال برنامه‌هایی که به منظور تأکید بر نیازهای شرکت‌های دارای وضعیت نامناسب شکل می‌گیرند در شرکت‌های کوچک و متوسط و یا گروه‌های خاص (مانند زنان) بسیار مؤثرند.

یکی از برنامه‌های حمایتی دولت، برنامه‌های اطلاع‌رسانی است، این برنامه‌ها می‌تواند به آگاه‌سازی در جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینی کمک کند. همچنین، این برنامه‌ها مشوق‌های اقتصادی موجود برای فعالیت‌های کارآفرینانه را

-
1. Bankruptcy treatment
 2. Remuneration Schemes
 3. Cash Flow
 4. Government Support Programs

به افراد معرفی می‌کنند و آن‌ها را برای بهره بردن از این فرصت‌ها تشویق می‌کنند. شناخت بیشتر فرصت‌های کارآفرینی باعث تربیت کارآفرینان بیشتر می‌شود.

۵-۱. نقش راهبرد بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط

کارکرد اصلی استراتژی‌ها، تحقق مأموریت‌های سازمان و حفظ بقا و رشد کسب و کارها (تداوم حیات) از طریق ایجاد تمایز است و تمرکز تصمیم‌گیری را بر روی اصلی‌ترین امور بنگاه‌ها (تخصیص بهینه منابع، استفاده از فرصت‌های محیطی و تبدیل آن‌ها به مزیت‌های رقابتی) قرار می‌دهند.

استراتژی، جهت‌گیری‌های عمده بنگاه‌ها را معین می‌کند و رهنمودهایی را برای تخصیص بهینه منابع در مسیر کسب اهداف بلند مدت ارائه می‌دهد. (رضایان، ۱۳۹۰)

«اگر»^۱ (۱۳۹۵) خلق مزیت‌های استراتژیک که در بستر بازارهای پویا و پیچیده و واحدهای کسب و کار پراکنده، بتوانند پایدار باشند را چالش‌زا می‌داند و بیان می‌کند در محیطی پویا، توسعه بنگاه‌ها به روش‌های خلاقانه عنصری حیاتی برای ربودن فرصت‌ها و انطباق با شرایط تغییر بوده و رشد می‌تواند از طریق احیای کسب و کارهای محوری و تبدیل آن‌ها به پایگاه‌های رشد و همچنین با ایجاد پایگاه‌های کسب و کارهای جدید به دست آید. به عبارت دیگر دست‌یابی به عملکرد مطلوب از سوی کسب و کارهای کوچک و متوسط در شرایط رقابتی امروز که دارای ماهیتی پویا است و محیط عملیاتی و فناوری‌های به کارگیری در آن با سرعت فزاینده‌ای در حال تغییر است، دشوار بوده و مستلزم مجهز شدن شرکت‌ها به قابلیت‌های محوری و اتخاذ راهبرد رقابتی مناسب است.

غفاری و رازینی (۱۳۹۶) تأکید می‌کنند مطالعات و بررسی‌های بسیاری نشان داده است که درصد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در طول زمان توان رقابتی و بقای خود را از دست داده و یا در همان سال‌های ابتدایی با شکست مواجه می‌شوند.

عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط تحت تأثیر عوامل بسیاری است

و افزایش سطح عملکرد، موقعیت و مزیت شرکت‌های فوق نسبت به صنایع بزرگ، متأثر از برخورداری این شرکت‌ها از داشتن راهبردهای توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود واحدهای کوچک تولیدی و قابلیت‌های محوری است؛ به عبارت دیگر، از عوامل اساسی در موفقیت این بنگاه‌ها برای کسب مزیت رقابتی و رشد و توسعه فعالیت و سودآوری بیشتر، داشتن راهبردهای رقابتی و همچنین آگاهی و شناخت سطح قابلیت‌های بنگاه و استفاده از آن‌ها در جهت بهبود عملکرد است.

۱-۶. مشکلات مشترک بنگاه‌های کوچک و متوسط

بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای مشکلات مشترکی می‌باشند که عملکرد و بقای آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. این مشکلات شامل فقدان قابلیت‌های مدیریتی، مشکلات ناشی از مقیاس، سرمایه‌ناچیز و ناتوانی در سازگار شدن با دانش بازار و تطابق با فناوری‌های جدید می‌باشند. (Lauder & et al, 1994) بنگاه‌های کوچک و متوسط به واسطه محدود بودن منابع داخلی‌شان، به ویژه در ارتباط با منابع مالی و مدیریتی تحت فشار قرار دارند. محدود بودن منابع مالی بنگاه‌های کوچک، دستیابی آن‌ها به مزایای فعالیت‌های نوآورانه به ویژه در زمینه تحقیق و توسعه و بازاریابی نوآوری‌های محصولات جدید را با مشکل مواجه می‌سازد. بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ‌تر توانایی کمتری در شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر محیط خارجی از قبیل: مشتریان، عرضه‌کنندگان و بازار نیروی کار دارند. (North & et al, 2001)

SME ها با مشکلات متعددی نظیر محدودیت منابع روبه‌رو هستند که مانع از ارائه و تجاری کردن محصولات یا سرویس‌ها یا فرایندهای جدید می‌گردد. شرکت‌های بزرگ فعال جهانی در حال نفوذ هرچه بیشتر به همه بازارها هستند. این امر موجب رقابت شدیدتر و تغییرات سریع‌تر در کل صنایع خواهد شد. شرکت‌های کوچک و پایین‌تر در زنجیره تأمین به دلیل این تغییرات و شرایط باید با بالابردن نوآوری و مهارت تکنولوژیک، خود را قادر به رقابت در صحنه بین‌المللی نمایند.

بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش‌هایی که در آنجا موانع کمی در برابر ورود بنگاه‌های جدید وجود دارد و نیز در آنجایی که قدرت کمی جهت دیکته کردن نیازهایشان به عرضه‌کنندگان را دارند، آسیب‌پذیر هستند. (Achanga & et al, 2006) منابع و شایستگی‌های محوری در موفقیت بنگاه‌ها در استفاده از فن‌آوری‌های جدید نقش بسیار با اهمیتی دارند. منابع اطلاعاتی و مالی محدود، ریسک‌های بیشتری را در کسب و کارهای کوچک ایجاد می‌کند و کمیابی منابع در کسب و کارهای کوچک منجر به همکاری نزدیک‌تر آن‌ها با دیگران از قبیل عرضه‌کنندگان، مشتریان و شرکا می‌شود. (Eikebrokk & Olsen, 2007)

به دست آوردن سرمایه و تأمین مالی برای راه اندازی کسب و کار و توسعه آن همواره به عنوان مسأله‌ای جدی برای کارآفرینان و صاحبان بنگاه‌های تولیدی مطرح بوده است. صاحبان بنگاه‌های تولیدی برای شروع و ادامه فعالیت خود و در واقع بقای کسب و کار مورد نظر خویش، نیازمند تأمین سرمایه لازم هستند و بدون تأمین مالی کافی، کسب و کارهای نوپا هرگز به موفقیت نخواهد رسید و کمبود سرمایه موجب بسیاری از شکست‌ها در کسب و کار جدید محسوب می‌شود.

اغلب بنگاه‌های کوچک و متوسط نمی‌دانند بازار به چه کالاهایی نیاز دارد؟ وسعت آن چقدر است؟ چه زمانی به کالاها نیاز است؟ و چگونه باید کالاها را تحویل دهند؟ بنگاه‌های کوچک و متوسط همچنین ضعف‌هایی در قدرت چانه‌زنی به ویژه در معامله با خریدار عمده دارند حتی اگر بازار را بشناسند، بعضی مواقع با مشکلاتی در زمینه تأمین مواد اولیه، چه از نظر دسترسی و چه قیمت مواجه می‌شوند. اکثر بنگاه‌های کوچک، بالاخص آن‌هایی که در کشورهای در حال توسعه هستند، نمی‌توانند بر این مشکلات فایز آیند. لذا، حمایت از توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی، یک بخش اصلی از سیاست‌های کلی اقتصادهای توسعه یافته است. (Atherton & Fairbanks, 2006)

بر اساس ارزیابی «بانک جهانی»^۱ از وضعیت ایران در شاخص سهولت کسب

و کار در سال ۲۰۱۷، فضای کسب و کار^۲ در ایران نسبت به سال قبل بدتر شده و در سال فوق با سه پله نزول در رده‌بندی جهانی فضای کسب و کار و در میان ۱۹۰ کشور در رده ۱۲۰ جهان قرار گرفته است. شاخص کلی فضای کسب و کار بر پایه ۱۱ شاخص کوچکتر با عناوین آغاز کسب و کار، کسب مجوز، استخدام نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاری، مالیات، تجارت مرزی، اجرای قراردادها و ورشکستگی و دریافت انرژی برق محاسبه می‌شود. این شاخص در واقع نشان‌دهنده سهولت و مناسب بودن هرکشور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و به عبارتی دیگر از دلایل اصلی رونق یا رکود در اقتصاد هر کشور است و از آنجایی که انجام فعالیت‌های اقتصادی بیشتر موجب رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، افزایش مالیات و درآمد برای دولت و در نهایت گسترش رفاه جامعه می‌گردد کلیه کشورها برای بهبود و تسهیل فضای کسب و کار خود تلاش می‌کنند و اقدامات اصلاحی زیادی برای تحقق آن انجام می‌دهند. هر کسب و کار از زمان شکل‌گیری تا توقف و انحلال کامل، چرخه‌ای را طی می‌کند و در هر مرحله بر اساس قوانین و مقررات موجود برای شروع و تداوم فعالیت خود متحمل هزینه‌های گوناگون و صرف زمان می‌شود.

مطابق با گزارش فوق، بانک جهانی مهم‌ترین مشکلات مشترک کسب و کارهای کوچک و متوسط در ایران را در معیارهای «شروع کسب و کار»، «دسترسی به برق» و «اخذ اعتبارات» می‌داند و بر ضرورت توجه و اصلاح قوانین و مقررات و رویه‌های مرتبط با شاخص‌های فوق و تداوم فعالیت‌های بهبوددهنده معیارهای «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد» و «تجارت فرامرزی» تأکید دارد.

با توجه به یافته‌های مطالعات نظری پژوهش و مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان و کارآفرینان مختلف به ویژه در موضوعات موانع کسب و کارهای کوچک و متوسط، مبانی و مفروضات کارآفرینی، ضرورت حمایت‌های قانونی و

1. Doing Business 2017

2. The Business Space

سیاستی دولت جهت تسهیل راه اندازی و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط و همچنین بررسی مجموعه گسترده‌ای از عوامل متعدد و متغیرهای مورد تأکید در پژوهش‌های فوق و الگوهای مختلف خط‌مشی‌گذاری در توسعه این کسب و کارها، در نهایت ۶ عامل کلیدی مؤثر بر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط شامل: قوانین و مقررات، دسترسی به بازار، انتقال و به کارگیری فن‌آوری‌های نوین و نوظهور، فرهنگ و رفتار کارآفرینانه، دسترسی به منابع و زیرساخت‌ها، شناسایی و احصا گردید که این عوامل در کلی‌ترین حالت و در صورت عدم توجه و فراهم نمودن زمینه‌های تحقق آن‌ها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مشکلات و موانع ایجاد و توسعه SMEs نیز در نظر گرفته شوند.

۲. پیشینه پژوهش

«رامکیسون-بابوا و ام سی دیوید»^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «پیاده سازی خط‌مشی عمومی برای توسعه کسب و کار: توسعه ملی کارآفرینی شرکت» انجام دادند. این پژوهش نشان داد که ارکان اصلی برای موفقیت در اجرای سیاست‌های عمومی عبارتند از: هم‌سویی بخش عمومی، پاسخگویی مشتری، پذیرش جهت‌گیری بازار در عملیات، ایجاد اتحاد استراتژیک در کسب و کار کشورهای عضو اکو سیستم و ایجاد چارچوب نظارت و ارزیابی.

«آنتون و اونوفری»^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «سیاست‌های عمومی برای حمایت از کارآفرینی و شرکت‌های کوچک و متوسط، شواهد تجربی از رومانی» انجام دادند. بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای اندازه‌گیری شده در مطالعه دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)، پروفایل کارآفرینی اقتصاد رومانیایی پس از شروع بحران مالی تجزیه و تحلیل کرده و دریافته‌اند که یکی از پرکاربردترین ابزارهای خط‌مشی‌گذاری یارانه‌های عمومی برای کسب و کار جدید و ضمانت وام می‌باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند به بهبود محیط کارآفرین و همچنین برای طراحی اقدامات خط‌مشی جدید با هدف بهبود دسترسی SMEها به منابع مالی کمک کند.

1. Ramkissoon-Babwah1 , Jameela Mc David

2. ANTON, & Mihaela ONOFREI

«امبوگوا»^۱ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان "تأثیرات سیاست‌های دولت محلی بر عملکرد شرکت کوچک و متوسط در کنیا: مطالعه موردی شهرستان «کیامبو»"^۲ انجام داد. هدف از این مطالعه، بررسی اثرات سیاست‌گذاری دولت محلی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط در شهرستان کیامبو، کنیا بود. مطالعه نشان داد که مالیات (نرخ مالیات بالا، مشارکت مالیاتی، تبعیت از قوانین مالیاتی و روش پرداخت مالیات) و صدور مجوز (الزامات صدور مجوز، روش‌های صدور مجوز و وثب کسب و کار) تأثیر معکوس و قابل توجهی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط در کنیا دارد. علاوه بر این، مطالعه نشان داد که آموزش (موضوعات، مباحث مالی آموزش، مؤسسه، مدت زمان و فرکانس) و تأمین مالی سرمایه (روش و الزامات تأمین مالی، مقدار به دست آمده، طول مدت پرداخت و نرخ بهره) تأثیر مثبت و قابل توجهی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط در کنیا دارد.

«ماساتو آبه و کومار دوتا»^۳ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «یک چارچوب سیاست‌گذاری جدید برای توسعه SME میانمار» انجام دادند. توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SME ها) یک مکانیزم مؤثر در دستیابی به رشد اقتصادی و اجتماعی است، اما میانمار لیستی از تعداد چالش‌هایی که باید آن‌ها را برطرف کند مطرح کرده است، از جمله زیرساخت‌های ضعیف و دسترسی به بازار محدود. این پژوهش توصیه‌های خط‌مشی‌گذاری را تحت ۷ عنوان کلیدی ارائه کرده‌اند: محیط مناسب کسب و کار، توسعه کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، خدمات توسعه کسب و کار، نوآوری و تکنولوژی، دسترسی به بازار و توسعه خوشه.

رامیکسون- بابوا و بابوا (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «رویکرد خط‌مشی‌گذاری توسعه کارآفرینی برای ترینیداد و توباگو» انجام دادند. این مقاله، به بررسی پویایی طراحی یک سیاست کارآفرینی مناسب در کشور در حال توسعه می‌پردازد و نشان می‌دهد رویکردهای خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه کارآفرینان توسط ایجاد تیم‌های کارآفرینی و شبکه، ایجاد مشارکت پایدار بخش عمومی و خصوصی،

1. MBUGUA

2. KIAMBU

3. Abe, M., & Kumar Dutta

اجرای برنامه‌های آموزش کارآفرینی درون یک چارچوب جامع، گسترش پایه‌های اجتماعی و جنسیتی برای حمایت از کارآفرینی و اتخاذ یک روش سیستماتیک براساس نیازهای مکمل در اکوسیستم کسب و کار ترینیداد و توباگو ایجاد می‌شود.

«اونگولو و اودهیمبو»^۱ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در سیستم حاکمیت تفویض شده: گزینه‌های سیاست‌گذاری برای اصلاحات نهادی و نظارتی در کنیا» انجام دادند. این مطالعه به منظور بررسی چالش‌های بالقوه نهادی و نظارتی که مانع توسعه SME، در سطح کشور می‌شود، انجام و معلوم شد که چالش‌های فعلی عبارتند از: هماهنگی ضعیف در فعالیت‌های SMES، گفتگوهای خصوصی و دولتی ناکافی در سطح کشور، اجرای ضعیف قوانین نظارتی و شکاف دانشی در سطح سیاست‌های ملی و کشور.

مبارکی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی سیاست‌های توسعه کارآفرینی بخش تعاون در چهارچوب سیاست‌های حمایتی دولت» انجام داد. هدف این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی بخش تعاون است. مهم‌ترین زیرمعیارهای حوزه بسترسازی و نهادینه‌سازی، خط‌مشی‌های آموزش و مهارت با وزن‌های ۰,۷۳۰ و ۰,۶۹۵ و در حوزه عملیاتی، خط‌مشی‌های حوزه انگیزش با وزن ۰,۸۰۰ است؛ بنابراین به خط‌مشی‌گذاران توصیه می‌شود بیشترین توجه آن‌ها به بسترسازی معطوف شود.

شریف زاده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری در صنعت نفت و گاز از منظر کارآفرینی» انجام دادند. این مقاله با بررسی و کنکاش در ادبیات موضوع، توانسته است تا ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های محرک و بازدارنده که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری الگوی خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی دارند را شناسایی نماید. مؤلفه‌های مؤثر مدل عبارتند از: تدارکات، بهره‌برداری، توزیع، نگهداری و تعمیرات، فرآورده‌ها در کارآفرینی، کمیت و کیفیت منابع انسانی، بودجه و منابع مالی، برنامه‌ریزی و روش اجرایی و قوانین و مقررات در صنعت مورد مطالعه از منظر کارآفرینی، مراحل تدوین، اجرا،

ارزیابی در بحث خط‌مشی گذاری.

حجازی و کشتکار (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کسب و کارهای کوچک؛ مطالعه موردی فروش پوشاک بانوان در شهر کرج» انجام دادند. نتایج مطالعات فوق نشان داد که عوامل مرتبط با نوع محصول عرضه شده در فروشگاه به عنوان بیشترین عامل تأثیرگذار در توسعه کارآفرینی صنعت فروش پوشاک و در رتبه‌های بعدی به ترتیب عوامل مرتبط با زیرساختارهای کسب و کار، عوامل وضعیت مالی و اقتصادی کسب و کار، عوامل سیاست‌های اقتصادی دولت و قوانین دولتی، عوامل نوع مدیریت و سازمان‌دهی کارها، ویژگی‌های فردی و روانشناختی، عوامل اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار دارند. تلاش‌های هریک از پژوهشگران فوق توانسته است بخشی از مهم‌ترین مشکلات توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط را تشریح و سیاست‌گذاری‌های متناسب برای برون رفت از مشکلات فوق را بیان نموده است که در جایگاه خود بسیار ارزشمند و تأثیرگذار می‌باشند. تحقیق حاضر با توجه به شرایط موجود کشور و ملاحظه نتایج برنامه‌های مختلف دولت‌های گوناگون که در طی سالیان متمادی برای بهبود فضای کسب و کار کشور و رفع مشکل بیکاری هدف گذاری شده و متأسفانه ناموفق بوده‌اند را بررسی می‌کند. این پژوهش توانسته است به طور جامع‌تر ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط را شناسایی کرده و ضمن اندازه‌گیری شدت تأثیرگذاری هر عامل، نتایج حاصله را به تفکیک خط‌مشی‌های چهارگانه توسعه کسب و کارها ارائه نماید که در نوع خود کم‌نظیر بوده و مهم‌ترین بخش نوآوری و جدید بودن این پژوهش می‌باشد.

۳. روش پژوهش

با توجه به مطالعات انجام شده در خصوص مهم‌ترین الگوهای مرتبط با خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، پیشینه تحقیق، پژوهش‌های کتابخانه‌ای و نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان، روش تحقیق پژوهش فوق بصورت توصیفی پیمایشی و نحوه گردآوری اطلاعات نیز از نوع

آمیخته انجام گردید. همچنین نظرات متولیان و ذی‌نفعان کسب و کارهای کوچک و متوسط در قالب پرسشنامه نیمه ساختار یافته اخذ گردید و داده‌های کسب شده نیز با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی (مدل معادلات ساختاری) و نرم افزارهای SPSS و SMART-PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیأت علمی رشته‌های مدیریت و کارآفرینی، مدیران و کارشناسان مسلط به موضوع سیاست‌گذاری و اشتغال و تعاون در واحدهای ستادی و صنفی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ادارات کل استانی و مدیران و کارآفرینان نمونه کسب و کارهای کوچک و متوسط کشوری که در قلمرو مکانی تحقیق آورده شده است و همچنین کارشناسان برخی دستگاه‌های اجرایی مهم و تأثیرگذار در عرصه محیط کسب و کار و اشتغال کشور به ویژه بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت و معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه آن‌ها، در مجموع به تعداد ۴۹۵ نفر می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد حجم نمونه ۲۱۶ برآورد شده است.

شایان ذکر است که با توجه به روش‌شناسی کمی مورد استفاده در این تحقیق، ابزار اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم، پرسشنامه محقق بوده است. در این تحقیق به پشتوانه ادبیات تحقیق و نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان و در راستای اهداف و سؤالات تحقیق، دو پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته تهیه گردید. پرسشنامه اول جهت شناسایی و نهایی نمودن ابعاد و مؤلفه‌های استخراج شده با استفاده از روش دلفی صورت گرفت. پرسشنامه دوم جهت سنجش و تأیید عوامل و روابط مدل تحقیق به کار گرفته شد.

خبرگان پژوهش برای مصاحبه را اعضای هیأت علمی رشته‌های مدیریت و کارآفرینی که دارای تخصص در این زمینه بوده و مقالاتی در زمینه مؤلفه‌های فوق داشتند، مدیران و کارشناسان مسلط به موضوع خط‌مشی‌گذاری و شاغل در واحدهای ستادی و صنفی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و کارآفرینان نمونه کسب و کارهای کوچک و متوسط و همچنین خبرگان سیاست‌گذار و برنامه ریزان

سابق و فعلی دولت و نهادهای حاکمیتی مختلف، تشکیل می‌دهند. تعداد اعضای خبرگان فوق ۱۷ نفر و شامل افراد در دسترس بودند. با توجه به مبانی نظری و پیشینه داخلی و خارجی پژوهش‌های انجام شده، متغیرها، مؤلفه‌ها، سنجه‌ها و نشانگرهای هر سؤال به شرح جدول ۱ مشخص شده است.

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها، سنجه‌ها و نشانگرهای هر سؤال

ردیف	متغیرها	مؤلفه	سنجه‌ها	شناسه
۱	وابند خط‌مشی‌گذاری	خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط	خط‌مشی‌های انضباطی و بازدارنده	POLD
۲			خط‌مشی‌های توزیعی	
۳			خط‌مشی‌های توزیع مجدد	
۴			خط‌مشی‌های قانونی - سیاسی	
۵	نهادهای خط‌مشی‌گذاری	نهادهای خط‌مشی‌گذاری	نهادهای حاکمیتی (خارج از دولت)	POLI
۶			نهادهای دولتی	
۷			نهادهای مردمی	
۸	توسعه راهبردی	توسعه راهبردی	میزان سرمایه‌های خطرپذیر	PERS
۹			مدیریت بهینه پرتفوی تولید کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها	
۱۰			ارتقای بهره‌وری کار و سرمایه	
۱۱			تولید محصولات و خدمات یا ارزش‌افزوده بالا	
۱۲			ارتقای سطح رضایت‌مندی ذی‌نفعان	
۱۳			ایفای مسئولیت‌های اجتماعی	
۱۴			برند سازی	
۱۵			اجرای حاکمیت شرکتی	
۱۶			رعایت ملاحظات زیست محیطی و الزامات توسعه پایدار	
۱۷			شناسایی و حضور و توسعه بازارهای هدف	
۱۸			هم‌راستایی با سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور	
۱۹			هم‌افزایی با سایر کسب و کارهای مرتبط و ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی	
۲۰			افزایش قدرت چانه‌زنی و سطح رقابتی کسب و کارها	
۲۱	کاربست فناوری اطلاعات و هوش تجاری			
۲۲	توسعه عملیاتی	توسعه عملیاتی	میزان بازگشت سرمایه‌گذاری‌ها	PERO
۲۳			افزایش سطح تخصص (دانش و مهارت) مدیران و کارکنان	
۲۴			افزایش فروش محصولات/ خدمات	
۲۵			رشد سودآوری محصولات/ خدمات	
۲۶			بهبود فرآیندهای سازمانی کسب و کار	
۲۷			مدیریت ریسک و تقویت کنترل‌های داخلی	
۲۸			افزایش سرعت و کیفیت ارائه خدمات پس از فروش	
۲۹			افزایش سهم بازار و جذب مشتریان نوظهور	

روایی ابزار تحقیق: در این تحقیق به پشتوانه مبانی نظری و ادبیات تحقیق و

مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان پژوهش و در راستای اهداف و سؤالات تحقیق، پرسشنامه‌هایی تهیه گردید. در ابتدا پرسشنامه مذکور را به ۸ دانشجوی دکتری که همگی تجربه پژوهش و سابقه تحصیلات در دوره دکتری از یک تا ۶ سال را دارند و تحصیلات آن‌ها در رشته‌های دکتری مدیریت دولتی، سیاست‌گذاری، کارآفرینی، نوآوری، سیستم‌ها و آینده‌پژوهی بود، ارائه گردیده و بر اساس نظرات آن‌ها اصلاحات و تغییرات اولیه صورت گرفت. سپس به منظور حصول از روایی قضاوتی لازم از تعدادی از خبرگان و اساتید دانشگاهی از جمله اساتید راهنما و مشاور و همچنین تعدادی از کارشناسان و مدیران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حوزه‌های مرتبط با کارآفرینی و اشتغال درخواست شد تا پرسشنامه‌ها و نتایج مصاحبه‌های به عمل آمده با خبرگان را مطالعه نمایند که در نهایت مفاد آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. از سوی دیگر و به منظور تحلیل روایی سازه از الگوی تحلیل اکتشافی داده‌ها (Confirmatory Factor Analysis-CFA) نیز استفاده شده است. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این تحقیق از روایی مورد نیاز (سازه‌ای و قضاوتی) برخوردار هستند.

پایایی ابزار تحقیق: برای سنجش پایایی پرسشنامه‌های این تحقیق از روش آلفای کرونباخ و تعداد ۳۰ پرسشنامه به عنوان نمونه اولیه استفاده شد که میزان ضریب اعتماد پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده به کمک نرم‌افزار آماری SPSS محاسبه گردید که نتایج آن مطابق جدول شماره ۲، بیانگر ضرایب بالا و قابل توجه در بسیاری از متغیرها و گویه‌های مدل است.

جدول ۲. آماره‌های آزمون کرونباخ

ردیف	متغیرها	مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	فرایند خطمشی	خطمشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط	0/718
۲	گذاری	نهادهای خطمشی گذاری	0/824
۳	توسعه کسب و	معیارهای توسعه راهبردی	0/730
۴	کارها	معیارهای توسعه عملیاتی	0/825

۴. نتایج و یافته‌های تحقیق

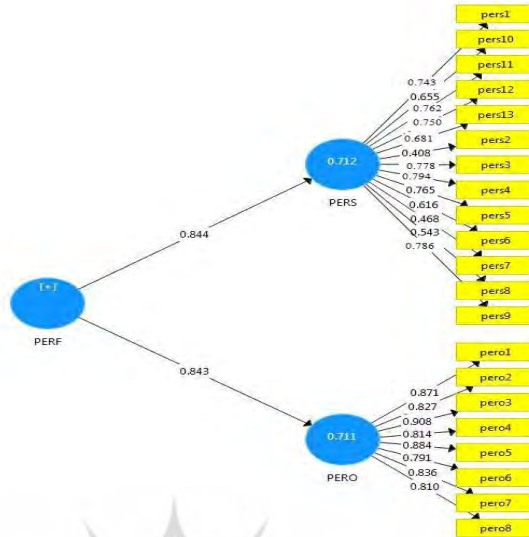
الف) یافته‌های توصیفی:

۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۱۵ درصد زن بوده‌اند. ۲۱ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس، ۶۶ درصد تحصیلات فوق لیسانس و ۱۳ درصد تحصیلات دکتری بوده‌اند. ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه کار کمتر از ۵ سال، ۶۶ درصد دارای سابقه کار بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۹ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۳ درصد دارای سابقه کار بیشتر از ۲۰ سال بوده‌اند. ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، مدیران و کارآفرینان کسب و کارها، ۲۷ درصد مدیران ارشد و ۶۸ درصد کارشناسان بوده‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی:

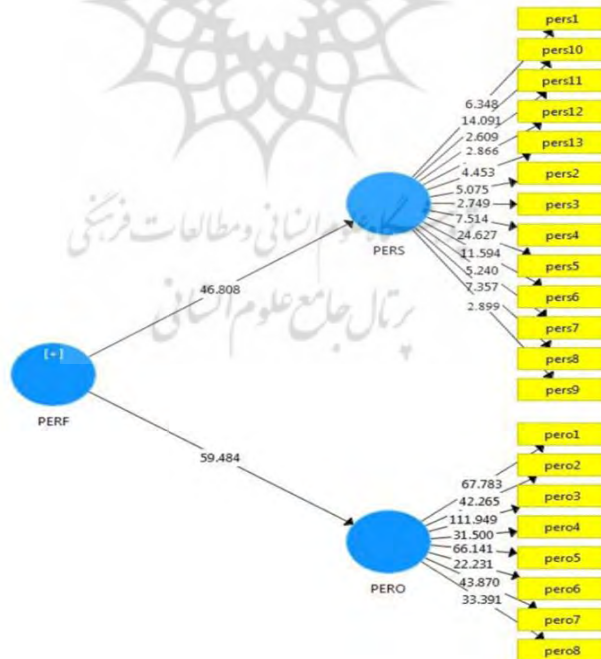
- ارزیابی مدل اندازه‌گیری مربوط به توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در صورتی مدل اندازه‌گیری مدلی همگن خواهد بود که قدر مطلق بار عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده‌پذیر متناظر با متغیر پنهان آن مدل دارای مقداری بالاتر از ۰/۷ باشد. برخی از صاحب‌نظران پیشنهاد حذف متغیرهای مشاهده‌پذیری را از مدل می‌دهند که بار عاملی آن‌ها زیر ۰/۴ باشد. همچنین چنانچه این مقدار کمتر از ۰/۷ بوده ولی تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر کم (دو یا سه) بوده و AVE متغیر مربوطه بالا ۰/۵ باشد، می‌توان متغیر مشاهده‌پذیر را در مدل اندازه‌گیری حفظ نمود. نمودار ۱ خروجی SMART-PLS در خصوص مدل اندازه‌گیری مربوط به توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد. همچنین، نمودار ۲ نمرات تی/۲ مربوط به بارهای عاملی نمودار ۱ را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. آزمون مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط



منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲. نمرات تی/ت مربوط به آزمون مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط



منبع: یافته‌های تحقیق

در روش تحلیل عاملی تأییدی، نخست لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌های مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. به این شکل که بار عاملی هر نشانگر با سازه خود دارای مقدار t بالاتر از $1/96$ در سطح $0/05$ و $2/58$ در سطح $0/01$ و مثبت باشد. در این صورت این نشانگر از دقت لازم برای اندازه‌گیری آن سازه یا صفت مکنون برخوردار است (Nunnally & Bernstein, 1994).

در جدول ۳ و با توجه به نمودارهای ۱ و ۲، مقادیر بار عاملی و آماره t برای نشانگرهای هر سازه آورده شده است.

جدول ۳. مقادیر بار عاملی برای نشانگرهای هر سازه در قالب مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای

کوچک و متوسط

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره t	بارعاملی	گویه‌ها	سازه
تأیید نشانگر	0.05	6.348	0.743	S1	توسعه راهبردی PERS
تأیید نشانگر	0.05	5.075	0.408	S2	
تأیید نشانگر	0.05	2.749	0.778	S3	
تأیید نشانگر	0.05	7.514	0.794	S4	
تأیید نشانگر	0.05	24.627	0.765	S5	
تأیید نشانگر	0.05	11.594	0.616	S6	
تأیید نشانگر	0.05	5.240	0.468	S7	
تأیید نشانگر	0.05	7.357	0.543	S8	
تأیید نشانگر	0.05	2.899	0.786	S9	
تأیید نشانگر	0.05	14.091	0.655	S10	
تأیید نشانگر	0.05	2.609	0.762	S11	
تأیید نشانگر	0.05	2.866	0.750	S12	
تأیید نشانگر	0.05	4.453	0.681	S13	
تأیید نشانگر	0.05	67.783	0.871	S14	
تأیید نشانگر	0.05	42.265	0.827	S15	
تأیید نشانگر	0.05	111.949	0.908	S16	
تأیید نشانگر	0.05	31.500	0.814	S17	
تأیید نشانگر	0.05	66.141	0.884	S18	
تأیید نشانگر	0.05	22.231	0.791	S19	
تأیید نشانگر	0.05	43.870	0.836	S20	
تأیید نشانگر	0.05	33.391	0.810	S21	

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است تمامی گویه‌ها دارای بار عاملی مناسبی بر متغیر مکنون مربوط به خود هستند و این بارهای در سطح $0/05$ معنی‌دار

می‌باشند. به عبارتی دیگر، مقدار t متناظر با هر بار عاملی بیشتر از مقدار بحرانی آن (۱/۹۶) در سطح ۰/۰۵ است. در نتیجه، می‌توان گفت این نشانگرها از دقت لازم برای اندازه‌گیری سازه‌های مربوط به خود برخوردار هستند.

آزمون پایایی: برای بررسی پایایی از دو معیار پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان این دو معیار باید بالاتر از ۰/۷۰ باشد. همان‌طور که از جدول ۴ مشخص است، پایایی ترکیبی (p دلوین - گلدشتاین) و آلفای کرونباخ توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط بالاتر از ۰/۷۰ است لذا پایایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۴. مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و

متوسط

عوامل	Composite Reliability	Cronbach's Alpha
توسعه راهبردی PERS	0.759	0.780
توسعه عملیاتی PERO	0.952	0.942
توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط PERF	0.819	0.759

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون روایی: برای بررسی روایی مدل اندازه‌گیری از روایی هم‌گرا و روایی واگرا استفاده گردید.

۱) روایی هم‌گرا: برای بررسی روایی هم‌گرا از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده گردیده است. میزان این شاخص باید بالاتر از ۰/۵۰ باشد. با توجه به جدول ۵ شاخص AVE در مورد همه متغیرها از میزان ۰/۵۰ بیشتر است که خود دلیل بر روایی هم‌گرایی مناسب مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط است.

جدول ۵. مقادیر AVE برای مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط

عوامل	AVE
توسعه راهبردی PERS	0.52
توسعه عملیاتی PERO	0.712
توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط POLD	0.694

منبع: یافته‌های تحقیق

۲) روایی واگرا یا تشخیصی: جهت بررسی روایی تشخیصی یا واگرایی مدل

اندازه‌گیری، در نرم‌افزار SMART-PLS از معیار آزمون فورنل - لارکر استفاده شده است. طبق این شاخص، جذر میانگین واریانس استخراج‌شده (√AVE) هر متغیر پنهان باید بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر باشد. همان‌طور که در جدول ۶ مشخص است جذر میانگین واریانس استخراج‌شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر باشد، که این خود بیان‌کننده روایی تشخیصی مناسب مدل اندازه‌گیری مورد بررسی می‌باشد.

جدول ۶. نتایج شاخص فورنل لارکر برای آزمون روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای

کوچک و متوسط

توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط PERF	توسعه عملیاتی PERO	توسعه راهبردی PERS	
		0.569	توسعه راهبردی PERS
	0.844	0.446	توسعه عملیاتی PERO
0.833	0.843	0.444	توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط PERF

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون کیفیت مدل اندازه‌گیری: کیفیت مدل اندازه‌گیری توسط شاخص اشتراک با روایی متقاطع (CV Com) محاسبه می‌شود. در واقع این شاخص توانایی مدل مسیر را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. چنان‌چه این شاخص عددی مثبت را نشان دهد، مدل اندازه‌گیری از کیفیت لازم برخوردار است. همان‌طور که از جدول ۷ مشخص است، در مدل اندازه‌گیری مورد بررسی، مقادیر اشتراک با روایی متقاطع مثبت و بالا می‌باشد که این خود تأییدکننده کیفیت مدل اندازه‌گیری مورد بررسی است.

جدول ۷. شاخص اشتراک با روایی متقاطع برای مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط

عوامل	شاخص اشتراک با روایی متقاطع (CV Com)
توسعه راهبردی PERS	0.404
توسعه عملیاتی PERO	0.596
توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط PERF	0.544

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم: در این مدل، عامل‌های مکنون که با استفاده از متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری می‌شوند، خود تحت تأثیر یک متغیر زیربنایی

تر (متغیر مکنون) اما در یک سطح بالاتر قرار دارند. (سیدعباس زادگان و همکاران، ۱۳۹۱) همان‌طور که جدول ۸ و با توجه به نمودار ۱ و ۲ نشان می‌دهد مقادیر بار عاملی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارتی دیگر، مقدار t متناظر با هر بار عاملی بیشتر از مقدار بحرانی آن (۲/۵۸) در سطح ۰/۰۱ است. همچنین، مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ خود بیان‌گر همسانی درونی بالای متغیرها است. مقدار AVE برابر با ۰/۶۹۴ گزارش شده که از میزان ۰/۵۰ بیشتر بوده و در نتیجه روایی هم‌گرای مدل نیز تأیید می‌شود. ضریب تعیین R^2 ارتباط بین واریانس تبیین شده یک متغیر مکنون را با مقدار کل واریانس آن سنجش می‌نماید. مقدار این ضریب بین صفر تا ۱ است که مقادیر بزرگ‌تر، مطلوب‌تر است. مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳، و ۰/۶۷ به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف شده است. با توجه به جدول ۸، مقادیر R^2 قابل توجه می‌باشد.

جدول ۸. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و

متوسط

سازه	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معنی‌داری	R^2
توسعه راهبردی PERS	0.844	46.808	0.01	0.712
توسعه عملیاتی PERO	0.843	59.484	0.01	0.711
AVE	0.694			
ρ_c	0.819			
α	0.759			

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه، شاخص اشتراک با روایی متقاطع (CV Com) برای کل مدل محاسبه گردید. چنان‌چه این شاخص عددی مثبت را نشان دهد، مدل اندازه‌گیری انعکاسی از کیفیت لازم برخوردار است. میزان این شاخص برابر با ۰/۷۷۲ گزارش شد که نشان از کیفیت بالای مدل دارد. در واقع، می‌توان گفت مدل مسیر توانایی پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر (در اینجا متغیرهای مکنون سطح اول) از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان را دارد.

همچنین، کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص افزونگی با روایی متقاطع (CV Red) محاسبه شد. معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین معیار اندازه‌گیری این توانایی، شاخص Q2 استون - گایسلر است که بر اساس این ملاک، مدل باید

نشانه‌های متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی نماید. مقادیر Q2 بالای صفر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند و مدل توانایی پیش‌بینی دارد. به عبارتی دیگر، در صورتی که کلیه مقادیر به دست آمده برای شاخص CV Red با در نظر داشتن متغیر پنهان درون‌زا انعکاسی شده مثبت باشد، می‌توان گفت مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است. هنسلر و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای پنهان درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص معرفی نمودند که با توجه به جدول ۹، قوی می‌باشند.

جدول ۹. شاخص افزونگی با روایی متقاطع برای مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط

سازه	شاخص افزونگی با روایی متقاطع (CV Red)
توسعه راهبردی PERS	0.438
توسعه عملیاتی PERO	0.472

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از جدول ۹ مشخص است میزان Q2 در همه متغیرها مثبت و بالاتر از ۰/۳۵ می‌باشد که این خود نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل است. به عبارت دیگر، مدل می‌تواند نشانه‌های متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی نماید.

نتیجه‌گیری

الف- نتایج تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های تحقیق با استفاده از نرم افزارهای SMART-PLS و SPSS نشان می‌دهد:

الف/۱- خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط بر توسعه SMEs از هر دو بُعد توسعه راهبردی و توسعه عملیاتی، اثرگذار و دارای ارتباط معنی‌داری هستند و هر دو بُعد نیز از ضرایب بسیار بالا و قابل توجهی ($\beta=0/939$) و ($\beta=0/748$) برخوردارند.

الف/۲- مشاهده شد متغیرهای «ارتقاء سطح رضایت مندی ذی‌نفعان» و «شناسایی و حضور و توسعه بازارهای هدف» در بُعد توسعه راهبردی به ترتیب از

ضرایب قابل توجهی ($\beta=0/794$) و ($\beta=0/786$) برخوردارند که با توجه به ماهیت کسب و کارهای کوچک و متوسط که مبتنی بر شناسایی و حضور سریع در بازارهای مورد نظر می‌باشد و همچنین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان از منظر ارضای انگیزه‌های درونی قوی آن‌ها، قابل توجیه است. از طرف دیگر نیز متغیرهای «ارتقای بهره‌وری کار و سرمایه» ($\beta=0/408$) و «اجرای حاکمیت شرکتی» ($\beta=0/468$) پایین‌ترین ضرایب را به خود اختصاص دادند. بهره‌وری ذاتی بالای کارآفرینان در راه‌اندازی و اداره بنگاه‌های کوچک و متوسط در کلی‌ترین حالت و محدودیت فنی ارتقای سطح بهره‌وری عملیاتی کسب و کارها و زمان‌بر بودن آن و همچنین استقرار کامل نظام حاکمیت شرکتی با توجه به چرخه عمر سازمانی SMEs نتایج به دست آمده را تأیید می‌نماید.

الف/۳- در میان متغیرهای مربوط به توسعه عملیاتی نیز متغیر «افزایش فروش محصولات و خدمات» ($\beta=0/908$) بالاترین و متغیر «مدیریت ریسک و تقویت کنترل‌های داخلی» ($\beta=0/791$) کمترین ضریب را کسب نموده‌اند که هر دو متغیر بار عاملی مناسبی بر مکنون مربوط به خود را دارا هستند.

شرکت‌های کوچک و متوسط، با برخورداری از سیستم‌ها و رویه‌های ساده و همچنین پویایی و انعطاف‌پذیری بالا، این امکان را دارند تا در جهت ایجاد مزیت رقابتی حرکت نموده و هرچه بیشتر با محیط پرتلاطم کسب و کارهای موجود، سازگاری یابند و به سرعت پاسخگوی نیازهای مصرف‌کننده باشند و ضمن حضور جدی در بازارهای جدید، فروش محصولات و خدمات تولیدی خود را نیز افزایش دهند لذا کسب بالاترین ضریب توسط متغیر افزایش فروش محصولات و خدمات در میان متغیرهای توسعه عملیاتی قابل قبول و مورد تأیید است. از طرف دیگر هرچند متغیر مدیریت ریسک و تقویت کنترل‌های داخلی، کمترین ضریب را در مقایسه با سایر متغیرها کسب نموده که آن هم ناشی از الزامات و ویژگی‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط و ضرورت حفظ پویایی و انعطاف‌پذیری بالای آن‌ها و ساختار مدیریتی این بنگاه‌ها توسط شخص کارآفرین می‌باشد ولیکن توانسته است امتیاز قابل توجهی را به دست آورد که

تأییدکننده اهمیت توجه به عنصر مدیریت ریسک و تقویت کنترل‌های داخلی SMEs هم‌زمان با روند رو به رشد فعالیت‌ها و بزرگ شدن آن‌ها می‌باشد.

الف/۴- بر اساس میزان t به دست آمده از آزمون مدل اندازه‌گیری توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، بالاترین تأثیر در بُعد توسعه راهبردی مربوط به عامل «ایفای مسئولیت‌های اجتماعی» (24/627) و در بُعد توسعه عملیاتی نیز مربوط به عامل «افزایش فروش محصولات و خدمات» (111.949) می‌باشد.

توجه به مسئولیت‌های اجتماعی در بُعد توسعه راهبردی کسب و کارهای کوچک و متوسط تأکیدی بر ضرورت رعایت الزامات الگوی توسعه پایدار و توجه به ملاحظات زیست محیطی جامعه به عنوان مهم‌ترین شاخص برای تداوم و توسعه فعالیت‌های تمامی بنگاه‌ها و از جمله کسب و کارهای کوچک و متوسط است که بایستی توسط SMEs مورد مذاقه لازم قرار گیرند.

ب- مطابق با پیشینه تحقیق و نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های صورت گرفته، یافته‌ها و پیشنهادات زیر برای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط به تفکیک هریک از خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارها به دست آمده است:

ب/۱- خط‌مشی‌های عمومی انضباطی و بازدارنده

۱- کاهش سهامداری کنترلی و در نهایت خروج نهادهای عمومی غیردولتی به ویژه صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از بنگاهداری و رقابت با بخش خصوصی

۲- گسترش تعاملات سازنده در بین تمامی بازیگران و متصدیان توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط به ویژه وزارت صنعت و معدن و تجارت (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی)، وزارت امور خارجه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های اجرایی کشور به دلیل هم‌پوشانی‌های بسیار آن‌ها در وظایف و مسئولیت‌های مربوط و وجود ظرفیت‌های مناسب کاری موجود در زمینه کسب و کارهای کوچک و متوسط

۳- نظارت کارآمد بانک مرکزی بر تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری

- مجاز و جلوگیری از فعالیت مؤسسات غیرمجاز و بازار غیرمتشکل پولی
- ۴- تصفیه کامل بدهی‌های بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری به بانک مرکزی تا پایان برنامه ششم توسعه کشور
- ۵- نظارت و پایش مستمر و نظام یافته در خصوص محل هزینه‌کرد تسهیلات پرداختی بابت توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، تطابق و تناسب طرح‌های اجرایی و مصوب شده با بافت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف، ایجاد اشتغال دائمی و راستی‌آزمایی آن‌ها
- ۶- حمایت دستگاه قضایی از فعالیت سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی و برخورد قاطع و عادلانه با هرگونه فساد در چرخه فعالیت‌های اقتصادی
- ۷- وضع و اصلاح قوانین و مقررات انضباطی کارآمد به منظور مبارزه جدی و مستمر با قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از واردات کالای مشابه تولید داخل با هدف حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه و تولید ملی
- ۸- ایجاد سازوکارهای لازم برای تعاملات ملی و فراملی کارآفرینان و توسعه و تقویت شبکه‌های مناسبات ملی و فراملی کارآفرینان، دانشمندان و پژوهشگران و همکاری بین‌المللی با اولویت کشورهای اسلامی و کشورهای فارسی‌زبان
- ب/۲- خط‌مشی‌های توزیعی
- ۱- اولویت شبکه بانکی کشور به تأمین منابع مالی و سرمایه درگرددش مورد نیاز کسب و کارهای کوچک و متوسط
- ۲- الزام صندوق توسعه ملی به پرداخت تسهیلات ارزی و همچنین تخصیص بخشی از سپرده‌گذاری‌های سالانه ارزی صندوق فوق برای ارائه تسهیلات ریالی به کسب و کارهای کوچک و متوسط مشابه بنگاه‌های بزرگ
- ۳- افزایش محدوده وثیقه‌ای مورد قبول (دارایی‌های منقول) برای اخذ تسهیلات توسط SMEs
- ۴- افزایش سرمایه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری‌های صنایع کوچک و متوسط و در نتیجه قدرت ضمانت‌دهی آن
- ۵- استفاده از منابع مالی کمک اکو ECO و بانک توسعه اسلامی برای توسعه

کسب و کارهای کوچک و متوسط

۶- اخذ عاملیت و انتشار انواع اوراق بهادار از جمله اوراق گواهی سپرده خاص، مشارکت و صکوک و همچنین اخذ خطوط اعتباری ارزی و ریالی از صندوق توسعه ملی توسط بانک توسعه تعاون (زیر مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با هدف تقویت توان تسهیلات‌دهی بانک مذکور به کسب و کارهای کوچک و متوسط تعاونی‌محور

۷- ارائه بسته حمایتی و یارانه‌ای ویژه برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط با تأکید بر ارائه خدمات بیمه‌ای، اعطای تسهیلات ارزان قیمت و اعمال معافیت‌های مالیاتی به طرح‌های ایجاد، تکمیلی و توسعه‌ای، صادراتی، تکمیل‌کننده زنجیره ارزش، دانش‌بنیان و فناورمحور، توسعه مشاغل خانگی و روستایی و کارآفرینان سالخورده، ناتوان جسمی، زنان بی‌سرپرست یا سرپرست خانوار و افراد بی‌بضاعت با اولویت کسب و کارهای کوچک و متوسط و بنگاه‌های مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی.

۸- تشویق، تسهیل و حمایت از حضور کسب و کارهای کوچک و متوسط در بازار سرمایه به ویژه بازار شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) فرابورس از جمله در زمینه کاهش الزامات مربوط به سال‌های فعالیت، سرمایه ثبتی، تعداد سهام‌داران، اعمال مساعدت مالیاتی با هدف بهبود برند، رتبه اعتباری و تأمین منابع مالی مورد نیاز با استفاده از ابزارها و نهادهای متنوع مالی (صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و ساختمان، صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF)، صندوق‌های جسورانه (VC)، اوراق تأمین مالی استاندارد، اوراق تأمین مالی واجد شرایط خاص، اسناد خزانه اسلامی، تسهیلات مسکن، انواع اوراق مشارکت، انواع گواهی سرمایه‌گذاری و انواع صکوک)

۹- اصلاح ماده ۴ قانون تسهیلات روستایی (۱/۵ میلیارد دلار صندوق ارزی) با اولویت قایل شدن برای کسب و کارهای کوچک و متوسط و بنگاه‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی اطراف روستاها.

۱۰- تسهیل حضور کسب و کارهای کوچک و متوسط در کنفرانس‌ها،

سمینارها و دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی بین‌المللی با پرداخت تمام یا بخشی از هزینه‌های آن توسط دولت

۱۱- الزام دولت به ایجاد سازوکارهای لازم برای بهره‌مندی کسب و کارهای کوچک و متوسط کشور از ظرفیت‌های همکاری بین‌المللی با سایر کشورها و پرداخت هزینه‌های عضویت در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی و در دسترس قراردادن پایگاه‌های فوق برای تمامی ذی‌نفعان و متولیان کسب و کارهای کوچک و متوسط کشور

۱۲- تهیه بانک جامع اطلاعات تخصصی کارآفرینان داخل و خارج کشور و صادرات کالاها و خدمات ارائه شده توسط کسب و کارهای کوچک و متوسط به وسیله دولت و به هزینه آن و به روزرسانی مستمر آن

۱۳- نام‌گذاری یک روز در تقویم کشور بنام روز حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط

ب/۳- خط‌مشی‌های توزیع مجدد

۱- برقراری سازوکارها و مشوق‌های مالی متنوع از جمله معافیت‌های مالی و مالیاتی و گمرکی و تعرفه‌ای، کمک‌های بلاعوض، اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت و یارانه‌ای، ارائه پوشش‌های بیمه‌ای مناسب با اولویت مددجویان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (سالخورده، ناتوان جسمی، زنان بی‌سرپرست یا سرپرست خانوار و افراد بی‌بضاعت و غیره) و کسب و کارهای کوچک و متوسط و بنگاه‌های مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی.

۲- کاهش نرخ مالیات فروش سهام و حق تقدم سهام بنگاه‌های کوچک و متوسط پذیرفته‌شده در بازار سرمایه از ۰,۵ درصد ارزش فروش به ۰,۱ درصد تا پایان برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰)

۳- پیگیری اختصاص معادل ریالی ده درصد (۱۰٪) ورودی سالانه صندوق توسعه ملی نزد بانک‌های عامل مطابق ضوابط صندوق مذکور در قبال اخذ خط اعتباری ریالی جهت پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت به کسب و کارهای کوچک و متوسط تعاونی و غیردولتی (موضوع بند چ ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه)

۴- افزایش سرمایه صندوق کارآفرینی امید (وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با تأکید بر تخصیص منابع مالی صندوق فوق با اولویت مددجویان بهزیستی و کمیته امداد (سالخورده، ناتوان جسمی، زنان بی‌سرپرست یا سرپرست خانوار و افراد بی‌بضاعت و غیره) و کسب و کارهای کوچک و متوسط و بنگاه‌های مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی.

۵- حمایت دولت از انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید و توسعه‌ای در بنگاه‌ها و صنایع موجود توسط بخش‌های غیردولتی و خصوصی به ویژه کارآفرینان کسب و کارهای کوچک و متوسط از طریق انتقال تمام یا بخشی از سود تقسیم نشده شرکت‌ها به حساب سرمایه و در پی آن افزایش سرمایه شرکت از محل منابع فوق برای اجرای طرح‌های توسعه با اعطای معافیت مالیات بر درآمد آن بخش که به افزایش سرمایه تخصیص یافته است

ب/۴- خط‌مشی‌های قانونی-سیاسی

۱- تدوین و اجرای بسته جامع حمایتی، قانونی و سیاسی از کسب و کارهای کوچک و متوسط و کارآفرینی در ایران

۲- ایجاد سازوکارهای لازم به منظور اجرای کامل قوانین و مقررات موجود مؤثر بر کسب و کارهای کوچک و متوسط به ویژه قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه‌های مربوط به آن‌ها و پایش مستمر اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های فوق و رفع موانع و مشکلات اجرایی احتمالی.

۳- تأسیس یک بانک مستقل و تخصصی برای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط به منظور ارائه کلیه خدمات مالی مورد نیاز این کسب و کارها و یا ایجاد دفاتر و بخش‌های تخصصی مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط در

تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری کشور

۴- ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرای کامل قانون حقوق مالکیت فکری و تجاری سازی اختراعات و ایده‌های کارآفرینان و اصلاح قوانین و مقررات مربوط

۵- تنظیم قانون جامع و یکپارچه برای فراهم شدن امکان ارائه حمایت‌های تخصصی و حرفه‌ای و هدفمند از کسب و کارهای کوچک و متوسط و جلوگیری از پراکندگی امور مربوط به SMEs به ویژه وضع قوانینی در خصوص سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و اشتغال و کمک به راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط.

۶- پیش‌بینی سازوکارهای قانونی لازم در حمایت از موضوع تأمین منابع مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط و پایداری و استمرار این حمایت‌ها و تخصیص به موقع منابع با توجه به یکساله بودن بودجه عمومی کل کشور.

۷- وضع قوانین بیمه‌ای جدید برای تأمین ریسک سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر کارآفرینی

۸- ایجاد شهرک‌های کشاورزی و شهرک‌های تخصصی و فن‌آوری تعاونی‌ها مشابه شهرک‌های صنعتی به ترتیب ذیل وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (اجرای طرح‌های تعاونی در شهرک‌های صنعتی و ذیل خوشه‌های صنعتی).

۹- ایجاد دفاتر کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط در کلیه دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌ها

۱۰- ایجاد یک مؤسسه بین‌المللی کسب و کارهای کوچک و متوسط با حضور کشورهای اسلامی یا کشورهای منطقه‌ای یا در میان کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی موجود که ایران نیز عضو آن‌ها می‌باشد

۱۱- برگزاری جشنواره‌های کارآفرینی برای تکریم کارآفرینان و ارتقای فرهنگ و روحیه کارآفرینی در کشور و ایجاد و راه‌اندازی شبکه کارآفرینی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۱۲- ایجاد ثبات در فضای اقتصاد کلان کشور، تقویت سرمایه اجتماعی و

حکمرانی شایسته

۱۳- تسهیل فرایند جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI و سرمایه گذاری پرتفوی خارجی FPI به ویژه جذب سرمایه‌های کارآفرینان ایرانی خارج از کشور

۱۴- ایجاد سازوکارهای لازم برای پیاده‌سازی مدل‌های فرشتگان و خیرین حامی کارآفرینی

توصیه‌های سیاستی

نتایج به دست آمده در این پژوهش تلاشی برای ارائه راهبردها و خط‌مشی‌های مناسب برای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط بود تا سیاست‌گذاران و مدیران و کارآفرینان کشور با استفاده از آن، نسبت به تخصیص بهینه و مطلوب منابع در اختیار، اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، بهره‌مندی از فن‌آوری‌های نوین و ترویج فرهنگ کارآفرینی در کشور اقدام نمایند. با توجه به مراتب فوق و همچنین ابعاد متنوع این پژوهش و تأثیرگذاری مختلف هر یک از مؤلفه‌ها و متغیرها و عوامل بر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، توصیه‌های سیاستی ذیل قابل ارائه می‌باشند:

الف- با توجه به تهیه زیرساخت‌های لازم در شهرک‌ها و نواحی صنعتی مختلف در سراسر کشور و انجام هزینه‌های قابل توجه در این خصوص توسط دولت و ضرورت بهره‌برداری هرچه بهتر از هزینه‌های سرمایه‌ای فوق (با توجه به میزان ریالی هزینه‌ها و سایر هزینه‌های مترتب بر استهلاك و نگهداری آن) و همچنین ضرورت تسریع در راه‌اندازی بنگاه‌ها و ایجاد اشتغال پایدار در کشور، توصیه می‌گردد کارآفرینان، اولویت راه‌اندازی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط خود را در شهرک‌ها و نواحی صنعتی مختلف در سراسر کشور قرار دهند تا قادر باشند با حداقل هزینه ممکن از امکانات و زیرساخت‌های فراهم شدن در این مناطق استفاده نمایند.

ب- تقویت همکاری اتحادیه‌های صنفی با مجموعه‌های دولتی و سایر نهادها و سازمان‌های مرتبط برای کمک به ایجاد نظام اطلاعات فراگیر و قابل استفاده

برای همه کسب و کارها، یک راهکار اجرایی مناسب برای مقابله با تهدیدات محیطی و ارتقای سطح اثربخشی نظام تصمیم‌گیری برای تداوم و توسعه فعالیت کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد که بایستی مورد پیگیری لازم قرار گیرد. چنین رویکردی می‌تواند دو مؤلفه دیگر زیرساختی یعنی شبکه توزیع و زیرساخت قانون‌گذاری را نیز مورد تأثیر قرار دهد.

ج- پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران کلان کشور با پیش‌بینی سازوکارهایی همچون تصویب قوانین ضد انحصار، برقراری مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی مناسب و خصوصی سازی واقعی، ارتباط میان شرکت‌های بزرگ با شرکت‌های کوچک و متوسط را تسهیل و فراهم نمایند.

د- تأکید خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط ایرانی به حفظ مزیت‌های رقابتی بنگاه‌ها در ارائه ایده‌های خلاقانه و صنایع مورد فعالیت آن‌ها و اندازه‌گیری درست از مدت زمان پایداری مزیت‌ها و عوامل تهدیدکننده آن و میزان پتانسیل سودآوری هر ایده

ه- تقویت توان بومی‌سازی مؤلفه‌های نوآوری در توسعه محصول (مجموعه‌ای از ایده‌پردازی‌ها، طراحی محصول، انتخاب صحیح بازار هدف و تدوین استراتژی‌های مناسب) برای بازار داخلی و دستیابی به دانش تولید آن با توجه به ماهیت تقلیدی بودن نوآوری‌ها در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایرانی

و- اتخاذ خط‌مشی‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط با تأکید بر تولید و ارائه محصولات و خدمات با ارزش افزوده بالا به جای تمرکز بر تولید کالاها و خدمات موجود

ز- توصیه می‌گردد به منظور ایجاد هماهنگی‌های لازم و پرهیز از دوباره‌کاری‌ها و استفاده بهینه از تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود کشور نسبت به ادغام و یا تجمیع صندوق‌های مختلف سرمایه‌گذاری و ضمانت و بیمه که در طی سال‌های گذشته و به دلایل مختلف در کشور ایجاد شده‌اند در صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک (با اصلاح اساسنامه و حوزه فعالیت به

صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و متوسط تغییر نام خواهد داد) و یا در یک صندوق جدید اقدام شود و معاونت و یا دفتری در ریاست جمهوری (به دلیل ضرورت امکان اشراف و جامعیت و پذیرش توسط ارکان مختلف دولت و بخش خصوصی) مأموریت‌های این صندوق که تنظیم‌کننده مقررات و ناظر بر نحوه عملکرد آن‌ها خواهد بود را بر عهده گیرد.



منابع

- احمدپور داریانی، محمود. کریمی، آصف (۱۳۹۸). کارآفرینی. تهران: دانشگاه جامع علمی کاربردی و مرکز نشر دانشگاهی.
- آکر، دیوید (۱۳۹۵). مدیریت استراتژیک بازار. مترجمان: احمد روستا و سید رامین‌هاشمی. تهران: انتشارات آریانا قلم.
- الوانی، سیدمهدی. شریف زاده، فتاح (۱۳۹۴). فرایند خط مشی گذاری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۶). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌های دولتی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸). دستورالعمل تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط (طرح رونق تولید) به شماره ۹۸/۱۲۱۵۵۷ مورخ ۹۸/۴/۱۵.
- برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶).
- حجازی، اسد. کشتکاروناشی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کسب و کارهای کوچک؛ مطالعه موردی فروش پوشاک بانوان در شهر کرج. پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال.
- رضاییان، علی (۱۳۹۰). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.
- سید عباس زاده، میرمحمد. امانی، جواد. خضری آذر، هیمن. پاشوی، قاسم. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
- شریف زاده، فتاح و همکاران (۱۳۹۵). «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری در صنعت نفت و گاز از منظر کارآفرینی». فصل‌نامه مدیریت سازمان‌های دولتی، سال چهارم، شماره ۱۵: ۱۴۶-۱۶۵.
- غفاری، حسین. رازینی، ابراهیم علی (۱۳۹۶). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل راهبردی

مؤثر در موفقیت بنگاه‌های کوچک و زودبازده شهر صنعتی کاوه با رویکرد کارت امتیازی متوازن از دیدگاه مدیران». فصل‌نامه رشد فناوری، سال سیزدهم، شماره ۵۰: ۶۳.

مبارکی، مسلم (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی سیاست‌های توسعه کارآفرینی بخش تعاون در چهارچوب سیاست‌های حمایتی دولت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و حسابداری.

خواستار، حمزه (۱۳۸۸). «ارائه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کد گذاری در مصاحبه‌های پژوهشی». فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۵ (۵۸): ۱۶۱-۱۷۴.

مهدی زاده، مهران. طالقانی، محمد (۱۳۹۴). «قابلیت‌محوری، راهبرد رقابتی و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط ساختمانی». فصل‌نامه فرآیند مدیریت و توسعه، دوره ۲۸، شماره ۴: ۱۰۹-۱۳۸.

Abe, M., & Kumar Dutta, M. (2014). A New Policy Framework for Myanmar's SME Development. ARTNeT Working Paper Series No. 142Bangkok, ESCAP.

Achanga, P., & et al (2006). Critical success factors for lean implementation within SMEs. Journal of manufacturing technology management, Vol. 17, No. 4: pp 460-471.

Anderson, J. E. (2011). Public Policymaking: An Introduction, Boston, MA: Cengage.

ANTON, G. S., & ONOFREI, M. (2016). PUBLIC POLICIES TO SUPPORT ENTREPRENEURSHIP AND SMEs. EMPIRICAL EVIDENCES FROM ROMANIA. Transylvanian Review of Administrative Sciences, No. 47: pp 5-19

Atherton, A., & Fairbanks, A. (2006). "Stimulating private sector development in China: The emergence of Enterprise development centers in Liaoning and Sichuan provinces". Asia pacific business review, Vol. 12, No. 3: pp 333-354.

Eikebrokk, T. R. & Dag, H. O. (2007). An empirical investigation of competency factors affecting e-business success in European semis. Information & Management, Vol. 44: pp 364-383.

Englehardt, C. S. & Simmons P. R. (2012). Organizational Flexibility for a Changing World, Leadership & Organization Developing Journal, Vol. 3/4, No. 23: pp 113-121.

European Commission.(2016). Annual Report on European SMEs 2016/2017 –

- Focus on self-employment, November 2017.
- Gibson, T. and Vaart, H. J. van der. (2008), " Defining SMEs: A Less Imperfect Way of Defining Small and Medium Enterprises in Developing Countries", Brookings Global Economy and Development.
- Gorgiveski M. J. & Ascalon, M. E. (2011). Small Business Owners' Success Criteria: A Values Approach to Personal Differences, Journal of Small Business Management, Vol. 49, No. 2: pp 207-232.
- Hatum, A. s. and A. M. Pettigrew (2006). "Determinants of Organizational Flexibility: A Study in an Emerging Economy." British Journal of Management Vol. 2, NO 17: pp 115-137.
- IFC.(2010). Scaling-Up SME access to financial services in the developing world, International Finance Corporation, World Bank Group, Washington D.C..
- Lauder, D., & et al (1994). The system of support for SMEs in the UK and Germany, European business review, Vol. 94, No. 1: pp 9-16.
- Lundstrom , A., & Stevenson, L. (2005).Entrepreneurship Policy: Theory and Practice. Chapter 2 ISEN International studies in Entrepreneurship, Springer, New York.
- Lundstrom, A., Stevenson, L. (2001).Entrepreneurship policy for the future, Vol1 of the Entrepreneurship for the Future Series. Swedish Foundation for Small Business Research: pp 133-156.
- MBUGUA, F. (2016). EFFECTS OF COUNTY GOVERNMENT POLICIES ON THE PERFORMANCE OF SMALL AND MEDIUM ENTERPRISE IN KENYA: A CASE OF KIAMBU COUNTY. The Strategic Journal of Business & Change Management, Vol 3, No 2: pp 757-785.
- Nayak,K., & et al. (2007). The Determinants and Impact of Outsourcing on Small and Medium Enterprises – An Empirical Study. IIMB Management Review, Vol. 19, No 3: pp 277-284
- Nduka Eneanya, A., & et al. (2010). PUBLIC POLICY ANALYSIS . NATIONAL OPEN UNIVERSITY OF NIGERIA.
- North, D., & et al, (2001). Public sector for innovation SMEs. Small business economics, Vol. 16: pp 303-317.
- Nunnally, J.C., & Bernstein, I.H. Psychometric Theory. 3rded. New York: McGraw-Hill, 1994.

- OECD. (2016). Entrepreneurship at a Glance 2016, OECD Publishing, Paris.
- OECD.(2016). The productivity-Inclusiveness Nexus, Meeting of the OECD Council at Ministerial level, Paris, 1-2 June 2016.
- OECD.(2017). Meeting of the OECD council at ministerial level – Enhancing the contributions of SMEs in a global and digitalized economy. Paris, 7-8 June 2017.
- Ong'olo, D., & Odhiambo, S. (2013). SMEs Development in the Devolved Governance System Policy Options for Institutional and Regulatory Reforms in Kenya.
- Ramkissoon-Babwah, N., & Babwah, A. (2013). An Entrepreneurship Development Policy Approach for Trinidad and Tobago. International Journal of Business and Social Science Vol. 4 No. 7: pp 40-45.
- Ramkissoon-Babwah, N., & Mc David, J. (2017). IMPLEMENTING PUBLIC POLICY FOR BUSINESS DEVELOPMENT: THE NATIONAL ENTREPRENEURSHIP DEVELOPMENT COMPANY. Journal of Entrepreneurship, Business and Economics, 5(1): pp 140–156.
- Samii, M. (2004). Globalization and IT. International business information technology, New York: Routledge: pp 9-20.
- Smith, K.B., & Larimer, C.W. (2017). The public policy theory primer. Third edition, WESTVIEW PRESS.
- UNCTAD. (2004).Entrepreneurship and Economic Development. United Nations Conference On Trade And Development (UNCTAD): pp 6-14.
- Word Bank Group , Doing Business 2017.
- WWW.ec.europa.eu/enterprise/sme-defination.
- Zulkepli, Z., Hasnan, N. & Mohtar, M. (2015), Communication and service innovation in SMEs, Procedia- Social and Behavioral Sciences, 211: PP 437-441.